



انتشارات
دنیای اقتصاد

به نام آن که جان را فکرت آموخت

1

3

9

6

اقتصاد سیاسی

مجموعه نقد سرمایه‌داری از درون؛ ۲
بازار آری، کاپیتالیسم نه

عنوان و نام پدیدآور: بازار آری، کاپیتالیسم نه؛ آنارشیزم فردگرا در برابر مدیران، نابرابری‌ها، قدرت شرکت‌ها و فقر ساختاری / [ویراستار] گری چارتیه، چارلز دلیو، جانسون؛ ترجمه مهرداد ملایی. / مشخصات نشر: تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۵۴۴ ص. / فرست: اقتصاد سیاسی. مجموعه نقد سرمایه‌داری از درون؛ ۲. شابک: ۱-۰۶-۸۵۹۱-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا / یادداشت: عنوان اصلی: **Markets not capitalism : individualist anarchism against bosses, inequality, corporate power, and structural poverty, 2011** / یادداشت: واژه‌نامه. / عنوان دیگر: آنارشیزم فردگرا در برابر مدیران، نابرابری‌ها، قدرت شرکت‌ها و فقر ساختاری. / موضوع: آنارشیزم / موضوع: **Anarchism** / موضوع: سوسیالیسم / موضوع: **Socialism** / موضوع: بازار -- جنبه‌های جامعه‌شناختی / موضوع: **Markets -- Sociological aspects** / موضوع: سرمایه‌داری / موضوع: **Capitalism** / شناسه افزوده: چارتیه، گری، ۱۹۶۶ - م. ویراستار / شناسه افزوده: **Chartier, Gary** / شناسه افزوده: جانسون، چارلز دلیو، ویراستار / شناسه افزوده: **Johnson, Charles W.** / شناسه افزوده: ملایی، مهرداد، ۱۳۶۱ - مترجم / رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ج۲ب۲ / HX۸۳۳ / رده‌بندی دیویی: ۳۳۵/۸۳ / شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۰۰۴۹۹

مجموعه نقد سرمایه‌داری از درون؛ ۲

بازار آری، کاپیتالیسم نه

آنا ریشم فردگرا در برابر مدیران، نابرابری‌ها، قدرت شرکت‌ها و فقر ساختاری

گری چارتیه و چارلز دبلیو. جانسون | ترجمه مهرداد ملایی



بازار آری، کاپیتالیسم نه (آنارشیسیم فردگرا در برابر مدیران، نابرابری‌ها، قدرت شرکت‌ها و فقر ساختاری)؛
مجموعه نقد سرمایه‌داری از درون؛ ۲/ ناشر: انتشارات دنیای اقتصاد/ نویسنده: گری چارتیه و چارلز دبلیو.
جانسون/ مترجم: مهرداد ملایی/ ویراستار: احسان برین/ طراح جلد و یونیفورم: حسن کریم‌زاده/ صفحه‌آرا:
مریم فتاحی/ مدیر تولید: انوشه صادقی آزاد/ نوبت چاپ: اول-۱۳۹۶/ شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه/ شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۸۵۹۱-۰۶-۱/ لیتوگرافی: شادرتنگ/ چاپ و صحافی: شادرتنگ/ تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به
نشر دنیای اقتصاد است/ نشانی انتشارات: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، ضلع شمال غربی میدان شعاع، پلاک ۱۰۸،
طبقه سوم شمالی/ تلفن: ۴۲۷۱۰۳۴۱/ نشانی فروشگاه: تهران، خیابان شهید مطهری، بین میرزای شیرازی و سنایی،
شماره ۳۷۰/ تلفن: ۴۳-۸۷۷۶۲۷۴۰/ دورنگار: ۸۷۷۶۲۷۴۴/ پست الکترونیک: book@den.ir/ پایگاه اینترنتی:
book.den.ir

قدردانی	۱۱
مقدمه	۱۵

بخش نخست

مسئله بازارهای تغییر شکل داده شده

۱- بازار آزاد شده	۳۹
۲- همپوشانی‌ها و تفاوت‌های سوسیالیسم دولتی و آنارشیزم	۴۱
۳- ایده کلی انقلاب در قرن نوزدهم	۶۱
۴- بازارهای آزاد شده از سرمایه‌داری	۸۹

بخش دوم

هویت و ایسم‌ها

۵- آنارشیزم طرفدار بازار به مثابه سوسیالیسم نشان‌دار	۱۱۹
۶- ارتش‌های همپوشان	۱۲۹
۷- مناظره یک فردگرا و یک کمونیست	۱۳۳
۸- نگاهی به کمونیسم	۱۴۳
۹- طرفداران بازار آزاد شده باید مخالف سرمایه‌داری باشند	۱۴۷
۱۰- آنارشیزم بدون خط فاصله	۱۵۷
۱۱- اقتصاد آزاد چیست؟	۱۶۱
۱۲- نگاه حداقلی و حداکثری در تفکر لیبرتارین	۱۷۵
۱۳- سوسیالیسم چیست؟	۱۹۳
۱۴- اهداف سوسیالیستی، ابزارهای بازاری	۱۹۷

بخش سوم

مالکیت

۱۵- مطالبه مالکیت عمومی	۲۰۷
۱۶- خاستگاه دعاوی مالکیتی	۲۲۳
۱۷- مالکیت در اقتصاد هبه‌ای	۲۳۱
۱۸- انصاف و مالکیت	۲۳۹
۱۹- دادخواست لیبرتارین‌ها علیه حقوق مالکیت فکری	۲۴۵

بخش چهارم

قدرت شرکتی و انسجام نیروی کار

۲۰- شرکت‌ها در مقابل بازار و یک ترکیب نامتجانس	۲۶۳
۲۱- آیا رقابت به معنای جنگ است؟	۲۷۳
۲۲- محاسبات اقتصادی در رویکردهای تعاونی	۲۷۵
۲۳- کسب و کارهای بزرگ و ظهور دولت‌گرایی آمریکایی	۲۸۷
۲۴- مقررات، علت بحران مالی است نه علاج آن	۳۱۳
۲۵- اقتصادهای صنعتی	۳۲۱
۲۶- مبارزات کارگری در بازار آزاد	۳۳۱
۲۷- آیا نیروی کار باید دستمزد بگیرد؟	۳۴۹

بخش پنجم

نتولیبرالیسم، خصوصی‌سازی و بازتوزیع

۲۸- اصلاحات در بازار آزاد و تقلیل دولت‌گرایی	۳۵۳
۲۹- تجارت آزاد، تجارت منصفانه است؛ نگرش‌های آنارشیستی به تجارت جهانی	۳۶۳
۳۰- دو کلمه در باب «خصوصی‌سازی»	۳۶۹
۳۱- در جستجوی مصداق‌ها	۳۷۵
۳۲- اصول مصادره و واگذاری	۳۷۹

بخش ششم

نابرابری و تورهای ایمنی اجتماعی

۳۳- بگذارید بازار آزاد ثروتمندان را ببلعد! آنتروپی اقتصادی به مثابه بازتوزیع انقلابی	۳۸۷
۳۴- فردگرایی و نابرابری	۳۹۹
۳۵- دولت بحران بهداشت و درمان را چگونه حل کرد؟	۴۰۵
۳۶- فقر دولت رفاه	۴۱۱

بخش هفتم

محدودیت‌های ورود و هزینه‌های ثابت زندگی

۳۷- چگونه «مالکیت فکری» مانع رقابت می‌شود؟	۴۱۹
۳۸- مسئله زمین در آمریکا	۴۳۳
۳۹- یکپارچه‌سازی اراضی در انگلستان و جمع‌گرایی در شوروی؛ دو نمونه از یک مدل توسعه ضد کشاورزان	۴۴۷
۴۰- بهداشت و درمان و انحصار رادیکالی	۴۶۹
۴۱- پنجه بر چهره؛ دولت چگونه مسبب فقر می‌شود؟	۴۷۹

بخش هشتم

مقررات‌گذاری بازار آزاد شده: کنشگری اجتماعی و نظم خودجوش	
۴۲- نکته انحرافی مقررات: چرا چیزی به اسم بازار بی مقررات وجود ندارد؟	۴۹۳
۴۳- ما نیروهای بازار هستیم	۴۹۹
۴۴- بهره‌وری افلاطونی	۵۰۵
۴۵- تفکر لیبرتارین و ضدیت با نژادپرستی	۵۱۱
۴۶- تعرض و محیط‌زیست	۵۱۷
۴۷- قانون آب بهداشتی علیه آب بهداشتی	۵۳۱
۴۸- حفظ بافت و سازمان‌دهی اجتماع	۵۳۷
واژه‌نامه	۵۴۳

به یاد کارل هِس |

قدردانی

این کتاب، ثمره عشق و نقش آفرینی بسیاری از صاحب نظران است. دوستان ما در «مرکز جامعه بی دولت»^۱، از جمله «براد اسپنگلر»^۲، «رودریک تی. لانگ»^۳، «کوین کرسون»^۴، «چارلز دلبلیو. جانسون»^۵، «شلدون ریچمن»^۶، «کریس لمپا»^۷، «جوزف آر. استرامبرگ»^۸، «جیمز تاتل»^۹، «رومن پیراه»^{۱۰}، «آنا او. مورگن اشتین»^{۱۱}، «تام نپ»^{۱۲}، «دوریان وُردن»^{۱۳}، «دیوید اس. داماتو»^{۱۴}، «تنیسون مک کالالا»^{۱۵}، «مایک گوگولسکی»^{۱۶}، «استیسی لیتز»^{۱۷}، «روس کنیون»^{۱۸}، «مت گولد»^{۱۹}، «ماریانا اویکا»^{۲۰}، «روکو استنزینون»^{۲۱}، «وندی مک‌الروی»^{۲۲} و «استفان کینسلا»^{۲۳}، به دلیل اینکه مشوق و حامی این پروژه و پروژه‌های مشابه بوده‌اند، شایسته تقدیرند. به‌طور خاص، قدردان رودریک هستیم که در آوریل سال ۲۰۱۰ پیشنهاد تشکیل «گردهمایی آموزش شرکت‌داری خصوصی»^{۲۴} را با عنوان «علیه کاپیتالیسم از منظر بازار آزاد؟»^{۲۵} مطرح کرد که در آن با شماری از صاحبان مقاله در این کتاب و نیز دوستان «استیون هورویتز»^{۲۶} که ایده اولیه را برای کار بر روی پروژه پیشنهاد داد، ملاقات کردیم. همچنین لازم است از «آلکس کاکپرن»^{۲۷}، «بیل کافمن»^{۲۸}، «شان گب»^{۲۹} و «کن مک‌لئود»^{۳۰} به خاطر پشتیبانی‌شان از این کتاب تشکر کنیم. دوستان

-
- | | |
|-------------------------------------------------|----------------------------------|
| 1- Center for a Stateless Society | 2- Brad Spangler |
| 3- Roderick T.Long | 5- Charles W.Johnson |
| 6- Sheldon Richman | 8- Joseoh R.Stromberg |
| 9- James Tuttle | 11- Anna O.Morgenstern |
| 12- Tom Knapp | 14- David S.DAmato |
| 15- Tennyson McCalla | 17- Stacy Litz |
| 18- Ross Kenyon | 20- Mariana Evica |
| 21- Rocco Stanzione | 23- Stephen Kinsella |
| 24- Association of Private Enterprise Education | 25- Free Market Anti-Capitalism? |
| 26- Steven Horwitz | 28- Bill Kauffman |
| 29- Sean Gabb | |
| 4- Kevin Carson | |
| 7- Chris Lempa | |
| 10- Roman Pearah | |
| 13- Dorian Worden | |
| 16- Mike Gogulski | |
| 19- Matt Gold | |
| 22- Wendy McElroy | |
| 30- Ken MacLeod | |

دیگری چون «استفن شوکایتیس»^۱، از موسسه «ترکیب‌بندی‌های اقلیت و رسانه‌های مستقل»^۲ هم حمایت‌های شایان توجهی از ما داشتند و به‌طور کلی قدردان عزم و اراده این موسسه در انتشار پروژه‌های بحث‌برانگیزی مانند این هستیم. خوب می‌دانیم که بسیاری از اعضای این موسسه بر مبنای اصول پایه‌ای آن، مخالفت‌های جدی با محتوای این کتاب دارند و البته آگاهیم که همه کسانی که در کار مطبوعاتی فعالیت دارند، حق دارند به‌طور جدی با ما مخالف باشند. اما نکته خوشحال‌کننده این است که همه آنها در عین حال اظهار امیدواری کرده‌اند این کتاب هم بتواند مروج محافظه‌کاری خلاق در هزاره آنارشستی باشد و هم مسیر «پوپولیسم لیبرتارین» را که در حال حاضر توجهات زیادی را در ایالات متحده به خود جلب کرده، تغییر دهد. جای بسی خوشحالی است که آنها مبتنی بر یک اراده جمعی، ما را به عنوان چپ‌گرایان و مخالفان رانت‌های شرکتی پذیرفته‌اند، هرچند برخی از اعضای موسسه راه‌حل‌های پیشنهادی ما را با دیده تردید می‌نگرند. همچنین سپاسگزار تیم صفحه‌آرایی کتاب هستیم که با سرعت زیاد و قالبی چشمگیر، طراحی کتاب را انجام دادند، هرچند به دلیل اینکه با بسیاری از سویه‌های مطرح در محتوای آن مشکل داشتند، نخواستند که اسمی از آنها در این پروژه بیاید.

علاوه بر این، چارلز [یکی از مولفین کتاب - م] می‌خواهد تشکر ویژه‌ای از «شِلدون ریچمن»، «تیسون مک‌کالا» و جیمز تاتل داشته باشد که مشوق و حامی بسیاری از پروژه‌های پراکنده جمع شده در این کتاب بوده‌اند. او همچنین از دوستان و هم‌صحبت‌های خود در «کافه آنارشئیست‌های وِگاس»^۳ و انجمن «زندگی بدون مرز»^۴ از جمله «آبه»^۵، «کلی»^۶، «کالب»^۷، «میچ»^۸، «راشیل»^۹، «نیکول»^{۱۰}، «بابی»^{۱۱}، «ایرینا»^{۱۲} و «جوانا»^{۱۳} سپاسگزار است و از استاد خود رودریک تی. لانگ، پدرش «پل ام. جانسون»^{۱۴} و همراه و عشق زندگی‌اش «لورا برایتنیک»^{۱۵} که چه در تهیه این کتاب و چه در سایر جنبه‌های زندگی او نقش مهمی داشته‌اند و بدون حمایت‌های آنها تدوین این کتاب ممکن نبود، تشکر می‌کند.

گری [یکی دیگر از مولفین - م] هم تمایل دارد از شماری از صاحب‌نظران

1- Stephen Shukaitis

3- Vegas Anarchist Cafe

7- Kaleb

11- Bobby

14- Paul M. Johnson

2- Minor Compositions and Autonomia

4- Living Without Borders

8- Mitch

12- Irina

15- Laura Breitenbeck

5- Abe 6- Kelly

9- Rachel 10- Nicole

13- Joanna

قدردانی کند: «النور وب»^۱، «جفری کسیدی»^۲، «آنت برایسون»^۳، «اینا پراکاش»^۴، «الکساندر لیان»^۵، «اندرو هو»^۶، «آنجلا کیتون»^۷، «آن-ماری پیرسون»^۸، «بارت ویلر»^۹، «کارول پیتمن»^{۱۰}، «کریگ آر. کینزر»^{۱۱}، «دیوید بی. هوپ»^{۱۲}، «دیوید آر. لارسون»^{۱۳}، «دبورا کی. دان»^{۱۴}، «دانا کارلسون»^{۱۵}، «الین هابل»^{۱۶}، «اوا پاسکال»^{۱۷}، «فریتز گای»^{۱۸}، «هیتر فرگوسن»^{۱۹}، «یان ام. هولدن»^{۲۰}، «جس لیمون»^{۲۱}، «جوئل سانفور»^{۲۲}، «جان الدر»^{۲۳}، «جان توماس»^{۲۴}، «کنث ای. دیکی»^{۲۵}، «لارنس تی. گراتی»^{۲۶}، «لس آنتمن»^{۲۷}، «لیجیا رادویاس»^{۲۸}، «ماریا زلاتوا»^{۲۹}، «مایکل اورلاندو»^{۳۰}، «نبیل ابو عسل»^{۳۱}، «پاتریشیا کابرا»^{۳۲}، «رابرت ای. راستد»^{۳۳}، «رانل هاروی»^{۳۴}، «روث ای. ای. بورک»^{۳۵}، «سل جی. هوانگ»^{۳۶}، «کنت راجرز»^{۳۷} و «وونیل کیم»^{۳۸}. او به طور خاص قدردان حمایت‌های معنوی و حقوقی النور بعد از اتمام کار کتاب است. «جان توماس» هم مثل همیشه این زمینه را فراهم کرد که «مدرسه کسب و کار دانشگاه لاسیرا» به محل مناسبی برای کار بر روی پروژه پژوهشی با ماهیت فعلی تبدیل شود.

ما کتاب «بازار آری، کاپیتالیزم نه» را به کارل هیس تقدیم می‌کنیم که یکی از چهره‌های موقر، خلاق، مهربان، جدی و از معتقدان پرشور آزادی، تمرکززدایی و همکاری‌های مسالمت‌آمیز و داوطلبانه بود. کارل با آثار خود میان راست قدیم و چپ جدید پل زد، موقعیت مسلط سیاسی را با قدرت تمام زیر سوال برد و مدلی قانع‌کننده و انقلابی از زندگی رها از چنگال دولت ارائه داد. هرچند او مثل همه انسان‌ها عاری از عیب و ایراد نبود، اما هر چه بود شریف و صادق و تجسم تعهد به آزادی انسانی بود، که ما با این کتاب قصد داشته‌ایم گامی به آن نزدیک شویم.

1- Elenor Webb

4- Aena Prakash

7- Angela Keaton

10- Carole Peteman

13- David R.Larson

16- Ellen Hubbell

19- Heather Ferguson

22- Joel Sanefur

25- Kenneth A. Dickey

28- Ligia Radoias

31- Nabil Abu-Assal

34- Ronel Harvey

37- Kent Rogers

2- Jeffrey Cassidy

5- Alexander Lian

8- Anne-Marie Pearson

11- Craig R. Kinzer

14- Deborah K.Dunn

17- Eva Pascal

20- Jan M. Holden

23- John Elder

26- Lawrence T. Geraty

29- Maria Zlateva

32- Patricia Cabrera

35- Ruth E.E. Burke

38- Wonil Kim

3- Annette Bryson

6- Andrew Howe

9- Bart Willruth

12- David B.Hoppe

15- Donna Carlson

18- Fritz Guy

21- Jesse Leamon

24- John Thomas

27- Less Antman

30- Michael Orlando

33- Robert E. Rusted

36- Sel J.Hwahng

در پایان جا دارد از ناشران پیشین مقالات که اجازه بازنشر آنها را در قالب این مجموعه واحد دادند سپاسگزاری کنیم.

آنارشپیست‌های بازارگرا به مبادله متقابل اعتقاد دارند و با هرگونه رانت اقتصادی مخالفند. آنها به بازارهای آزاد اعتقاد دارند نه به سرمایه‌داری. آنچه باعث می‌شود آنها را آنارشپیست بخوانیم، اعتقادشان به «جامعه کاملاً آزاد و اجماعی» است؛ یعنی جامعه‌ای که در آن نظم نه از طریق اعمال زور قانونی یا حکومت سیاسی، بلکه از طریق توافقات آزاد و همکاری داوطلبانه مبتنی بر برابری تامین می‌شود. آنچه باعث می‌شود صفت «بازارگرا» را به رویکرد آنارشپیستی آنها بچسبانیم، به رسمیت شناختن فرایند مبادله در بازار آزاد به‌عنوان ابزار مهم نظم اجتماعی آنارشپیستی و مسالمت‌آمیز است. اما بازارهایی که آنها متصور هستند، شباهتی به بازارهای رانت‌محوری که امروزه دور و بر خود می‌بینیم، ندارند. ثمره فعالیت بازارهایی که تحت نظارت دولت‌ها و سیستم سرمایه‌داری عمل می‌کنند، فقر پایدار، نابودی زیست‌بوم‌ها، نابرابری‌های عمده در میزان ثروت و قدرت متمرکز در دست شرکت‌ها، اربابان و زمین‌داران است. دیدگاه غالب این است که استثمار - چه استثمار انسان‌ها و چه استثمار طبیعت - پیامد طبیعی بازارهایی است که به حال خود رها می‌شوند. صاحبان این دیدگاه معتقدند که مالکیت خصوصی، فشار رقابتی و انگیزه کسب سود - با نیت خیر یا شر - خواه‌ناخواه به نیروی کار دستمزد بگیر مبتنی بر اصول سرمایه‌داری و تمرکز ثروت و قدرت اجتماعی در دست یک طبقه برگزیده منجر می‌شود یا به رویکردهایی در کسب و کار می‌انجامد که مبتنی بر رشد به هر قیمت هستند و جاماندگان را زیر چرخ‌دنده‌های خود له می‌کنند.

اما آنارشپیست‌های بازارگرا با این دیدگاه مخالف هستند و معتقدند رانت اقتصادی یک معضل اجتماعی جدی و همه‌گیر است، اما نمی‌توان منشأ آن را

مالکیت خصوصی، رقابت یا سود به خودی خود دانست. همچنین این مشکلی ناشی از «شکل» بازار نیست، بلکه از بازار «تغییر شکل داده» ای ناشی می‌شود که از سایه بلند بی‌عدالتی‌های تاریخی و دامنه‌دار و تداوم اجرای رانت‌های قانونی به نفع سرمایه ریشه می‌گیرد. سنت آنارشیستی بازارگرا، به‌طور جدی طرفدار بازار و رویکرد ضد سرمایه‌داری است و دغدغه همیشگی خود را در مورد خصلت عمیقاً سیاسی قدرت شرکتی، وابستگی نخبگان اقتصادی به مدارا یا پشتیبانی فعالانه دولت، موانع نفوذناپذیر میان نخبگان اقتصادی و سیاسی و تجسم فرهنگی سلسله مراتب موجود مطرح می‌کند؛ یعنی ساختاری که وجودش مدیون خشونت‌های سلبی و ایجابی نهاد دولت است.

شکل بازار

این کتاب قرار است مقدمه‌ای جامع بر نظریه اقتصادی و اجتماعی آنارشیسم چپ‌گرا و بازارگرا باشد. آنارشیسم بازارگرا در بطن خود یک جنبش اجتماعی رادیکال ضد سرمایه‌داری و مبتنی بر فردگرایی است و آنارشیست‌های بازارگرا به‌مانند دیگر آنارشیست‌ها، طرفداران جدی آزادی فردی و ایجاد رضایت متقابل در هر سویه از حیات اجتماعی هستند و به‌تبع آن همه اشکال سلطه و دولتمردی را هجمه به آزادی و پایمال کردن شخصیت انسانی می‌دانند. در نظام فکری آنارشیستی، آنچه آنارشیست‌های بازارگرا را متمایز می‌کند، تحلیلی است که از شکل بازار به مثابه یک جزء محوری در جامعه‌ای کاملاً آزاد و برابر دارند. می‌توان ادعا کرد که درک آنارشیست‌های بازارگرا از احتمالات انقلابی، در روابط بازار عاری از رانت‌های دولتی و سرمایه‌داری و نیز از نگرش آنان به رانت‌های سیاسی و ساختارهای کنترل ریشه دارد که از دید آنان شکل بازارهای موجود را تغییر می‌دهند و در عمل علی‌رغم رویکردهای مساوات‌طلبانه فرایندهای بازار، از استثمار حمایت می‌کنند. لذا این دسته از آنارشیست‌ها، بر تمایز بین شکل بازار از یک‌سو و خصوصیات اقتصادی سرمایه‌داری موجود از سوی دیگر تاکید دارند. اصولاً مهم است که تمایز دقیقی میان خصوصیات کلیدی بازارها طبق نگرش آنارشیست‌های بازارگرا قائل باشیم. روابط اجتماعی که آنارشیست‌های بازارگرا از آن دفاع می‌کنند و امیدوارند

از هرگونه کنترل دولتی رها باشد، به قرار زیرند:

۱) مالکیت به‌ویژه مالکیت فردی «تمرکززدایی شده» که نه‌تنها شامل دارایی‌های شخصی بلکه همچنین شامل زمین، خانه، منابع طبیعی، ابزارها و کالاهای سرمایه‌ای است؛

۲) قرارداد و مبادله داوطلبانه کالاها و خدمات از سوی افراد یا گروه‌ها با توقع کسب سود متقابل؛

۳) رقابت آزاد میان همه خریداران و فروشندگان در قیمت، کیفیت و همه سویه‌های دیگر مبادله بدون محدودیت‌های پیش‌فرض یا موانع تحمیل‌شده سر راه ورود به بازار؛

۴) کشف فرصت‌های جدید که بر اساس آن نه‌تنها رقابت در بازارهای موجود بلکه کشف و گسترش زمینه فرصت‌های تازه برای کسب منافع اجتماعی یا اقتصادی در دستور کار قرار می‌گیرد؛

۵) نظم خودجوش که به معنای وجود یک نیروی هماهنگ‌کننده تاثیرگذار و مثبت است. در دل این نظم، چانه‌زنی فاقد تمرکز، مبادلات و پوشش کارآفرینی لازم برای رسیدن به هماهنگی کلان در دستور کار قرار می‌گیرد که فراتر از ظرفیت طرح‌های از پیش تعیین‌شده یا نشانه‌های آشکار برای توسعه اجتماعی و اقتصادی است.

آنارشیست‌های بازارگرا، مالکیت را به دارایی یا تملک مشترک یا جمعی محدود نمی‌کنند هرچند این نوع مالکیت‌ها را هم نادیده نمی‌گیرند و بر اهمیت قراردادها و مبادله بازاری و رقابت و کارآفرینی آزاد با انگیزه کسب سود تاکید دارند. آنها نسبت به همکاری‌های خودجوش و برنامه‌ریزی نشده‌ای که مارکسیست‌ها آن را «آنارشی اجتماعی تولید» می‌خوانند نگاه تساهلی دارند و حتی از آن استقبال می‌کنند. از طرف دیگر، آنارشیست‌های چپ‌گرا هم رویکرد رادیکال ضد سرمایه‌داری دارند و قبول ندارند که طبق باور مشترک جناح چپ ضد بازار و جناح راست طرفدار سرمایه‌داری، خصلت‌های اصلی بازار متأثر از نظم اجتماعی تحمیل‌شده از طرف اربابان، صاحب‌خانه‌ها، شرکت‌های متمرکز، استثمار طبقاتی، توافقات تجاری بی‌رحمانه، کارگران فقیر، فقر ساختاری یا نابرابری‌های گسترده اقتصادی باشد.

آنسان در عوض بر پنج ادعای متمایز درباره بازارها، آزادی و رانت اقتصادی تاکید می‌کنند:

- **گرایش گریز از مرکز بازارها:** آنارشئیست‌های بازارگرا، بازارهای آزاد شده را در شرایط رقابت آزاد، به توزیع ثروت و بهره‌گیری از فرصت‌ها متمایل می‌دانند که با تاثیر گریز از مرکز بر درآمدها، القاب مالکیتی، زمین و دسترسی به سرمایه همراه است. از نظر آنها، بازارهای آزاد شده باعث متمرکز شدن این امتیازها در دست یک طبقه نخبه اجتماعی-اقتصادی نمی‌شوند. آنارشئیست‌های بازارگرا، اعتقادی به تعیین محدودیت‌های قانونی برای میزان ثروتی که هر فرد می‌تواند انباشته کند ندارند اما معتقدند بازار و واقعیت‌های اجتماعی، باعث تحمیل فشارهای جدی و بالفعل ضد نابرابری‌های گسترده ثروت می‌شوند به شکلی که هیچ محدودیت قانونی قادر به چنین تاثیرگذاری نیست.

- **احتمالات بنیادین در کنشگری اجتماعی بازار:** آنارشئیست‌های بازارگرا، بازارهای آزاد شده را فضایی نه‌تنها برای تجارت سودمحور بلکه فضایی برای تجربه‌گرایی اجتماعی و کنشگری تهاجمی می‌دانند. آنها همچنین «نیروهای بازار» را نه‌تنها عامل مؤثر در پیگیری کسب سود مالی یا به حداکثر رساندن بازگشت سرمایه سرمایه‌گذاران، بلکه عامل تحقق منافع جمعی، منافع متقابل و ثبات عملکرد تلقی می‌کنند. «فرایندهای بازار» می‌توانند و باید شامل تلاش‌های آگاهانه و هماهنگ برای بالا بردن سطح آگاهی‌ها، تغییر رفتار اقتصادی و پیگیری اهداف مهم برابری اقتصادی و عدالت اجتماعی از طریق اقدام مستقیم و به‌دور از خشونت باشند.

- **رد روابط اقتصادی دولت‌گرا:** آنارشئیست‌های بازارگرا، تمایز آشکاری میان دفاع از شکل بازار و رویکردهای توجیه‌گرای^۲ توزیع کنونی ثروت و شکاف‌های طبقاتی موجود قائل هستند، چراکه بعید است این قبیل بی‌عدالتی‌ها، ثمره بازارهای آزاد شده باشند و منطقی این است که آنها را پیامد بازارهای مدیریت شده، محدود و رانت محور کنونی بدانیم. هرچند این دسته از آنارشئیست‌ها، روند کنونی توزیع ثروت و شکاف‌های طبقاتی را به‌عنوان مشکلات اجتماعی جدی به رسمیت می‌شناسند اما آنها را ناشی از شکل بازار نمی‌دانند و مشکلات مالکیتی و مشکلات

1- market social activism 2- apologetics

در ایجاد هماهنگی را عامل آن معرفی می‌کنند.

- **پسروی^۱ مقررات:** آنارشیست‌های بازارگرا، مشکلات هماهنگی - یعنی مشکلات ناشی از تفسیرهای غیر معمول، غیر سازنده و سیاست‌زده از عملیات مبادله و رقابت آزاد - را پیامد رانت‌های به ظاهر قانونی برای سرمایه‌داران مسئول و دیگر ذی‌نفعان اقتصادی می‌دانند که به بهای تحمیل مشکلات بر رقبای کوچک‌تر و طبقه کارگر صورت می‌گیرند.

- **اصلاح رویکردهای نادرست در سلب مالکیت‌ها:** آنارشیست‌های بازارگرا، رانت‌های اقتصادی را تا اندازه‌ای پیامد مشکلات جدی مالکیتی می‌دانند که به واسطه توزیع نادرست، غیر معمول، مخرب و سیاست‌زده دعاوی مالکیتی تشدید می‌شوند. در این بین، پیشینه‌ای از روند غیرقانونی سلب مالکیت‌ها به بهانه‌هایی چون جنگ، استعمارگری، جدایی طلبی، ملی‌سازی و فساد دولتی می‌تواند بار مضاعفی بر این روند نادرست باشد. تا زمانی که سایه تاریک فساد عمومی یا انکار مالکیت بر بازارها افتاده است، نمی‌توان آنها را آزاد تلقی کرد. همین واقعیت نشان می‌دهد که اصلاح بی‌عدالتی‌های گذشته تا چه حد اهمیت دارد و از جمله چقدر مهم است که رویکردهای مردمی، ضد شرکتی و ضد نئولیبرالی برای «خصوصی‌سازی» منابع تحت کنترل دولت همراه با جبران خسارت قربانیان قابل شناسایی و سلب مالکیت انقلابی از دارایی‌هایی که دولت و ذی‌نفعان انحصارهای دولتی آنها را به تصرف خود درآورده‌اند مورد توجه قرار گیرند.

سنت آنارشیسم بازارگرا

پیشگامان تفکر آنارشیستی مانند «جوسیا وارن»^۲ و پیر ژوزف پرودون بر خصلت‌های مثبت و هماهنگ‌کننده روابط بازار تاکید دارند. به‌عنوان مثال، پرودون معتقد است که انقلاب اجتماعی باعث از بین رفتن «سیستم‌های قانونی» و «اصل حاکمیت» و جایگزینی آنها با «سیستم قراردادهای» خواهد شد.^[۱]

با توجه به کاربرد مفاهیم «قرارداد» و «مبادله» در مدل‌های سود متقابل اجتماعی مدنظر وارن و پرودون، می‌توان دید که گرایش‌های متمایز آنارشیسم بازارگرا، همیشه

از دل سنت کلان آنارشیزستی سر برآورده‌اند و متأثر از بحران‌ها، فروپاشی‌ها، فواصل زمانی خاص و تجدید حیات گرایش‌های مختلف، پررنگ یا کمرنگ شده‌اند. این روند، تاریخچه پیچیده‌ای دارد اما می‌توان با اندکی مسامحه آن را به سه دوره اصلی تقسیم کرد که در کتاب حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

(۱) «موج اول» که نمایندگان اصلی آن «آنارشیزست‌های فردگرا»^۱ و «طرفداران اصل تعاون»^۲ مانند «بنجامین تاکر»^۳، «ولترین دی کلیر»^۴ و «دایر لوم»^۵ هستند و دوره زمانی آغاز جنگ داخلی آمریکا تا سال ۱۹۱۷ را شامل می‌شود. [۲]

(۲) «موج دوم» مقارن با رادیکالی شدن لیبرترین‌های آمریکایی طرفدار سرمایه‌داری و تجدید حیات آنارشیزسم به‌عنوان مجموعه‌ای دربرگیرنده از جنبش‌های اجتماعی فعال در عصر رادیکالیسم دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود.

(۳) «موج سوم» که به‌عنوان گرایشی مخالف در محیط آنارشیزستی دهه ۱۹۹۰ رشد کرد و مثال بارز آن، جنبش پسا سیاتلی^۶ هزاره جدید بود.

هر یک از این موج‌ها علی‌رغم عدم پیوستگی و تفاوت‌های موجود، معمولاً به احیای توجهات به متون و ادبیات موج‌های پیش از خود انجامیده‌اند و با توجه به درون‌مایه‌های هر یک، می‌توان گفت آنچه به‌طور کلی آنها را کنار هم قرار می‌دهد، دفاعشان از روابط بازار و تاکید ویژه آنها بر احتمالات انقلابی است که در ذات بازار وجود دارند؛ به‌ویژه زمانی که از قیدوبند نهادهای قانونی و اجتماعی برخوردار از رانت‌ها رها می‌شود.

رویکرد ضد سرمایه‌داری فردگرایان «موج اول»، برای خود آنان و هم‌عصرانشان مشهود بود. بنجامین تاکر در موضع‌گیری معروف خود معتقد بود چهار انحصار یا مجموعه رانت‌های تضمین‌شده از طرف دولت، عامل قدرت گرفتن بی‌سابقه نخبگان شرکتی هستند: حق امتیاز انحصاری، انحصار حاصل از توزیع بی‌حساب و کتاب زمین‌های حاصلخیز به همسویان سیاسی و حفاظت دولت از دعاوی اربابی که اثرات اقتصادی جدی خواهد داشت، انحصار پولی و اعتباری و رانت‌های انحصاری حاصل از تعیین تعرفه‌ها. اگر این انحصارها لغو شوند، قدرت طبقه نخبه از بین

1- individualist anarchists

4- Voltairine de Cleyre

2- mutualists

5- Dyer Lum

3- Benjamin Tucker

6- post- Seattle